نگاه

معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری:

رقبا و منتقدان بی‌انصاف به دولت تهمت‌های ناروایی می‌زنند

● **ایسنا:** مجید انصاری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری، در ضیافت فرهیختگان کرمانی مقیم تهران گفت: سند ابلاغی رهبری درباره اقتصاد مقاومتی جامع‌ترین و کارشناسی‌ترین سندی بوده که نه بلند پروازانه است و نه خارج از توان و ظرفیت کشور. او افزود: اکنون که کشور از پیچ تند تحریم‌ها و مناقشات هسته‌ای عبور کرده و در مرحله پسابرجام شرایط ویژه‌ای به وجود آمده باید وفاق و همدلی را حفظ کرد. مجید انصاری به اقدامات دولت در سه سال گذشته اشاره کرد و گفت: اقدامات دولت خیلی فراتر از برجام بوده و از جمله می‌توان به آوارهداری از ویرانه‌هایی که در اقتصاد کشور وجود داشت اشاره کرد. او همچنین به برجام و این نکته که متأسفانه رقبا و منتقدان بی‌انصاف به دولت تهمت‌های ناروایی می‌زنند و می‌گویند پس از برجام در کشور کاری انجام نشده، اشاره کرد و گفت: تحولات عظیمی در کشاورزی، کنترل تورم، افزایش صادرات نفت و گاز و پتروشیمی اتفاق افتاده و این در حالی بوده که محرومیت‌های مالی دولت ادامه داشته است. انصاری همچنین جریان یأس‌آفرین علیه دولت را در راستای اهداف آمریکا و رژیم صهیونیستی دانست و تأکید کرد: کسانی که دلسوز ولایت فقیه هستند بدانند طبق قانون اساسی قوای سه‌گانه زیر نظر ولایت فقیه فعالیت می‌کنند و چنانچه ترسیمی ناکارآمد از قوا داشته باشیم، فقط به تخریب بنیان‌ها دامن زده‌ایم و این به صلاح نظام مقدس جمهوری اسلامی نیست. او در همین راستا به فرمایش مقام معظم رهبری درباره برجام که فرمودند نه زیاد برجام را بزرگ کنید و نه آن‌قدر کوچک که انگار کاری انجام نشده، اشاره کرد و گفت: برخی رسانه‌ها متأسفانه این سیاست را همچنان دنبال می‌کنند که برجام هیچ ثمری برای کشور نداشته است.

ادامه از صفحه ۲

هیاهوی تبلیغاتی مخالفان و مظلومیت رسانه‌ای دولت

نباید از حافظه تاریخی مردم و مسئولان رفته باشد که دولت یازدهم، میراث بسیار شومی را از دولت گذشته تحویل گرفت؛ اختلاس سه‌هزارمیلیاردی، پدیده بابک زنجانی، گم‌شدن دکل نفتی، هدردادن بیش از ۷۰۰میلیارد دلار منابع نفتی کشور، تبدیل ایران به کشوری با اقتصادی ورشکسته، ۳۸۰هزارمیلیارد تومان بدهی، فروش ۲۲ میلیارد دلار پول کشور ظرف ۱۷ ماه به بهانه دخالت در بازار ارز در دوبی و استانبول که نتیجه عکس داد و قیمت ارز جهشی بالا رفت، برداشت ۱۷هزارمیلیارد تومان از منابع بانک مرکزی بدون مجوز و واردکردن آن به بودجه و ده‌ها فساد دیگر که در آن دوره شکل گرفت، بخشی از آن جمله‌اند.

آنچه این روزها، از تریبون‌های مخالف، (ساکت در قبال فسادهای دولت قبل) علیه دولت منتشر می‌شود، نه‌تنها حیف‌ومیل‌های بیت‌المال و فسادهای اقتصادی در آن سال‌هاست، بلکه سیاه‌نمایی در کار دولتی است که همه می‌دانیم در شرایطی که علاوه بر مشکلات اقتصادی، سایه جنگ هم وجود داشت، کشور را تحویل گرفت. باید به این واقعیت تلخ اذعان کنیم که دولت با لکنت تبلیغاتی تیم رسانه‌ای، نمی‌تواند با شعارهای پوپولیستی مخالفان مقابله تبلیغاتی کند. هرچه تریبون‌های تبلیغاتی مخالفان دولت، مطالب ناحق خود را علیه این دولت حق جلوه داده و به لطایف‌الحیل به ذهن و زبان افکار عمومی تزریق می‌کنند، متأسفانه تریبون‌های رسانه‌ای وابسته به دولت، به‌ویژه تیم اطلاع‌رسانی که وظیفه ذاتی آنان شرح عملکرد دولت است، نتوانسته‌اند برای افکار عمومی تلاش‌های بی‌وقفه دولت برای جبران عقب‌ماندگی‌های دولت قبل را تبیین کنند و هرچه آنها ضعیف عمل کرده‌اند، مخالفان از این ضعف نهایت استفاده را کرده و سیاه‌نمایی کرده‌اند. زیرسؤال‌بردن دستاوردهای برجام از آن جمله است.

بعد از گذشت حدود سه‌سال از عمر دولت، فرصتی دست داد تا با همان دوست قبلی گفت‌وگوهای آغاز کار دولت را یادآوری و گلایه دوستان دلسوز اصحاب رسانه کشور نسبت به ضعف‌های رسانه‌ای دولت را منتقل کنم که ایشان نیز ضمن تأیید، بر تحقق پیش‌بینی‌های بنده صحه گذاشت.

مطمئن باشید مخالفان از امروز تا انتخابات سال ۹۶ بسیار گسترده‌تر از گذشته، هم از کاه، کوه می‌سازند و هم کوه را کاه جلوه می‌دهند. برای آنان که هدف، وسیله را توجیه می‌کند، چهارساله‌کردن عمر دولت تدبیر و امید، هدف شده است و حالا به آن لعاب قداست هم می‌بخشند. البته مردم در انتخابات اخیر نشان داده‌اند که فریب شعارهای مسموم تبلیغاتی را نمی‌خورند، اما فراموش نکنیم بخشی از اسناد تاریخی، با گزارش‌های رسانه‌ای تکمیل می‌شود و تیم رسانه‌ای دولت باید تلاش کند تا تاریخ آینده این کشور، به انحراف کشانده نشود.

یادمانده‌های محمدحسین متقی از مصطفی چمران

ذوب در آقا موسی بود

آنچه در پی می‌آید، بخشی از مصاحبه مفصل گروه تاریخ شفاهی مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر با «محمدحسین متقی» است که به مناسبت سالروز شهادت دکتر مصطفی چمران تقدیم می‌شود. متقی از نیروهای مبارز ایرانی است که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی در سوریه و لبنان ساکن بوده است. او در این مدت از نزدیک با شهید چمران مرتبط بود و خاطرات فراوانی از آن دوران دارد.

اولین دیدار شما با آقای چمران کجا و چگونه انجام شد؟

در اواخر سال ۱۳۵۳ به دلیل مشکلات ناشی از فعالیت‌های سیاسی و تعقیب ساواک در ایران، مجبور به خروج از کشور بودم. خدمت بعضی بزرگان رسیدم و پرسیدم که آنجا در سوریه و لبنان سراغ چه کسی بروم. بعضی‌ها مرحوم چمران و آقای صدر را معرفی کردند. وقتی به سوریه رسیدم، مرحوم محمد منتظری ما را به لبنان برد و با آقای چمران ملاقات کردیم. بعدها مکرر به لبنان سفر کردم و در اکثر این سفرها موفق به دیدن امام موسی صدر و آقای چمران شدم؛ به‌ویژه با دکتر چمران که به نوعی کارگزار آقای صدر و نفر دوم تشکیلات به حساب می‌آمد. او همچنین مدرسه فنی‌وحرفه‌ای صور را هم مدیریت می‌کرد.

چه چیزی از اولین ملاقات‌ها با چمران به یاد دارید؟

ابتدا چهره دوست‌داشتنی و عارفانه و بامحبت چمران ما را جذب کرد. در همان نگاه اول چیزی که خیلی به چشم می‌آمد، شیفتگی او به آقای صدر بود؛ یعنی اگر ۱۰ کلمه حرف می‌زد، هشت کلمه راجع به آقا موسی صدر بود. اصلا ذوب در آقا موسی بود؛ یعنی از خودش هیچی نمانده بود. انگار که آینه‌ای گذاشته بودند و آقا موسی را می‌دیدیم. همین تعریف‌ها ما را بیشتر مشتاق دیدار آقای صدر کرد تا اینکه به تشویق آقای چمران به بیروت رفتیم و در جلسه‌ای در طبقه بالای ساختمان مجلس اعلای شیعیان با حضور مرحوم محمد منتظری، با آقای صدر دیدار کردیم و ساعت‌ها درباره انقلاب و اوضاع آن روز ایران صحبت شد. در آن جلسه از وضعیت مجاهدین خلق و اینکه چه جوّی به خاطر کمونیست‌شدن آنها به وجود آمده و ازبین‌رفتن استعدادهای بسیاری گفت‌وگو کردیم.

امام موسی صدر علاقه‌مند بود که این بحث‌ها را بشنود؟

خیلی استقبال می‌کرد، حتی دو، سه نوبت این بحث را تمدید کرد. یادم هست زمانی که ما خدمتشان رسیدیم، زمستان بود. بعد از نماز مغرب و عشا حدود ساعت هفت جلسه را شروع می‌کردیم و تا پاسی از شب حدود ۲۲:۳۰ تا ۲۳ طول می‌کشید. بعد ایشان می‌گفت حالا که مطلب تمام نشد، بقیه‌اش را بگذاریم فردا ادامه بدهیم و ما شب آنجا می‌خوابیدیم که بتوانیم روز بعد هم در خدمت‌شان باشیم. برای ما جالب بود که آقای صدر این‌قدر با تواضع، در ریز مسائل ایران حساسیت دارد. حتی گاهی اسامی اشخاص را می‌پرسید که آقای مهندس بازرگان چه می‌کند؟ فلانی چطور؟ یک به یک اسم می‌آورد و درباره وضع آقای شریعتی هم می‌پرسید.

در موضوع فلسطین هم گفت‌وگویی داشتید؟

بله، آقای صدر و چمران با گروه‌های کمونیست فلسطینی اصطکاک‌هایی داشتند. حتی یک بار آقا موسی به من فرمود که شما حاضرید با عرفات صحبت بکنید؟ گفتم اگر بتوانم خدمتی بکنم، کوتاهی نخواهم کرد. ایشان فرمود چند سؤال می‌نویسم که شما از قول برادران ایرانی، نه از قول من، مطرح کنید و ببینید عرفات چه پاسخی می‌دهد. حدود ۱۰ سؤال بود که به خط خودشان نوشته بودند و بیشتر درباره موضع عرفات نسبت به جناح‌های کمونیست فلسطینی بود. قرار ملاقات را مرحوم چمران گذاشت. ایشان هم با من همراه شد و با هم به ساختمانی واقع در بیروت به دیدار عرفات رفتیم.

اختلاف اینها ایدئولوژیک بود یا سیاسی؟

نباید مباحث ایدئولوژیک را از سیاست جدا کنیم. ظاهرش سیاسی بود؛ ولی در باطن رنگ ایدئولوژیک داشت. از طرفی این مسائل در ایران هم مطرح بود؛ به‌ویژه در دوره‌ای که من از ایران خارج شدم، گروهی از مجاهدین کمونیست شده بودند و تعدادی از بچه‌های مسلمان سازمان مجاهدین مانند شریف واقفی و دیگران را کشته بودند؛ یعنی چنین وضع تعارض‌آمیزی بین مسلمان‌های مبارز و کمونیست‌ها ایجاد شده بود و پذیرفتنی نبود که کسی مثل عرفات بخواهد این وضعیت را نادیده بگیرد. این جریان را آقای صدر در آن سؤالات منعکس کرده بود. وی قصد داشت که من از عرفات بپرسم چرا شما این کار را می‌کنید، اینها خیانت می‌کنند، حتی جایی در سؤالات دیدم که به دوران مصدق یا به زمان جنبش جنگل و میرزا کوچک‌خان اشاره شده بود. آنان در همه این مقاطع، وقتی کار به جای حساسی رسید، به نهضت و ایران ضربه زدند و الان هم این اتفاق در ایران و فلسطین می‌افتد و شما رابطه‌تان با آنها خیلی خوب است؛ چون در آن زمان الفتح با شاخه کمونیست‌شده سازمان مجاهدین ارتباط خوبی داشت و به گروه‌های کمونیست فلسطینی هم نزدیک بودند. همچنین بعضی از رهبران کمونیست فلسطینی مثل جورج حبش و نایف حواتمه با آقا موسی درگیر بودند و چمران را خیلی اذیت می‌کردند. یادم هست روزهایی که ما خدمت چمران رسیدیم، طرفدارهای جورج حبش با آرپی‌جی موسسه فنی را زده بودند و سوراخ بزرگی روی دیوار ایجاد شده بود. مرحوم چمران هم رنگ قرمزی آورده بود و روی این سوراخ که مثل قطره خون شده بود، ریخت. یعنی این تابلوی مظلومیت بود. به خاطر دارم روزی خود چمران تعریف می‌کرد: اینها دنبال من بودند که من را ترور کنند. چند بار هم اقدام کردند و موفق نشدند. یک روز تصمیم گرفتم که بدون اطلاع پیش جورج حبش بروم. به دفترش رفتم و گفتم من از ایران آمدم و راجع به کارهای چمران می‌خواهم بپرسم. گفت اینها من را ندیده بودند. کلی بدوبی‌راه نثار چمران کرد. بعد از دقایقی گفتم من چمرانم! تا این را گفتم، پا شد و تحویل گرفت و حرف‌هایش را تغییر داد و جا زد. بعد شروع کردم به دفاع‌کردن که آنچه شما به من نسبت می‌دهید دروغ و تهمت است. علی‌ایحال بخشی از آن سؤالات هم ناظر به همین مسائل داخلی جناح‌های فلسطینی و ارتباط آنان با هم بود. آقا موسی می‌خواست عرفات جواب صریحی بدهد و موضعش را روشن کند.

نکته

اگر ۱۰ کلمه حرف می‌زد، هشت کلمه راجع به آقا موسی صدر بود. اصلا ذوب در آقا موسی بود؛ یعنی از خودش هیچی نمانده بود. انگار که آینه‌ای گذاشته بودند و آقا موسی را می‌دیدیم

از روحیه لطیف چمران خاطره‌ای دارید؟

یادم هست شبی در مدرسه فنی نشسته بودیم. تعدادی از بچه‌ها در راکت‌اندازی‌ها و بمباران‌ها مجروح شده بودند و مرحوم چمران در داخل مدرسه فنی جایی را برای مداوای آنها درست کرده بود. ساعت دو نصفه‌شب که با ما صحبت می‌کرد، در زدند. در را باز کرد، یکی از بچه‌ها بود. چمران به آنان می‌گفت شبل. شبل یعنی بچه‌شیر. می‌گفت اینها اشبال‌المقاومه هستند. یعنی بچه‌شیرهای مقاومت. بیرون رفتیم، دیدیم این بچه با زبان عربی گفت جای تیر یا ترکشی که خورده بود درد می‌کند، دکتر با ملاطفت دستی به سر و صورت او کشید و روی او را بوسید، نمی‌دانم دارو می‌داد یا نه. یعنی دکتر مثل مادر و پدر و باعاطفه و با کمال محبت رفتار می‌کرد.چمران روح خیلی لطیفی داشت، خیلی ذوق داشت و دلش می‌خواست این بچه‌های محروم و فقیر و بعضا یتیم که در محیطی خشن بزرگ می‌شدند را به فضایی بیاورد که از آن حالت خشونت و بوی دود و باروت و خون دور شوند و وارد فضاهای انسانی و فرهنگی بشوند. مثلا از کنار دریا سنگ آورده و در مدرسه آبشار درست کرده بود. مسیری هم برای آب ایجاد کرده بود و باغچه‌ای بود تا در فضای هنری و ذوقی کمی از آن فضاها فاصله بگیرند.

یادم هست یک روز که احساس کردم خیلی تحت فشار است، پرسیدم شما با دکتر شریعتی آشنا هستید؟ گفت بله، من با او رفیقم و ارادت دارم. گفتم اخیرا ایشان سخنرانی‌ای با عنوان پیروان علی(ع) و رنج‌هایشان انجام داده است. بعد برای چمران درباره این سخنرانی توضیح دادم و گفتم جمله‌ای که این دوست شما گفته، این است: «اگر کسی خودش را شیعه علی بنامد، ولی از رنج‌هایی که علی کشیده بویی نبرده باشد، این آدم باید در شیعه‌بودن خودش شک کند». انگار فرجه‌ای برایش پیدا شد. یک نگاه نافذ و عمیقی کرد و سرش را زیر انداخت و گفت: «راست میگه ما باید همین‌جور باشیم».

چمران عکاس ماهری بود و عکس‌های فوق‌العاده حرفه‌ای می‌گرفت و خودش هم علاقه داشت و گاهی به ما هم یاد می‌داد. عکس‌هایی را که گرفته بود، به ما نشان می‌داد یا بعضی از آنها را روی پرده نمایش می‌داد. یکی از عکس‌هایی که خیلی زیبا بود و مشابهش را ندیده‌ام این بود که به فردی گفته بود دستت را داخل آب بکن و من می‌خواهم از چکه آبی که از دست تو می‌افتد عکس بگیرم. بعد چندتا عکس گرفته بود که یکی از آنها خیلی خوب شده بود و آن را اسلاید کرده بود. قطره از دست آن فرد جدا شده بود و در حال افتادن عکسش را گرفته بود. شکل قطره حالت مخروطی زیبایی داشت. از آن مهم‌تر اینکه داخل این قطره تصویر اطراف افتاده بود و شما می‌توانستید هم عکس دریا را ببینید و هم عکس کوه و جنگل و درخت را. عکس مدرسه هم در این قطره به شکل بسیار زیبایی منعکس شده بود و چقدر باذوق این عکس را به ما نشان می‌داد که ببینید چقدر زیباست و بعد از آنها برداشت‌های معنوی می‌کرد که می‌گویند هر ذره‌ای می‌تواند جلوه‌گاه رخ معشوق باشد.

بعد به بهانه این عکس داستانی را برای ما شروع کرد. چون خودش متخصص فیزیک اتمی بود، می‌خواست درس توحید را در قالب فیزیک به ما القا کند، که در هر ذره‌ای از ذرات عالم، تمام هستی متجلی است، نه‌اینکه فقط بگوییم دل هر ذره را که بشکافی آفتابیش در میان بینی. منظومه‌ای در داخل هر عنصر هست که مرکز و الکترون‌هایی دارد و چرخش و نظمی است که شما از این عناصر می‌توانید رصد علمی بکنید و اگر این نظم به‌هم بخورد، آن خواص به‌هم می‌خورد.

اینکه چمران یک‌تنه می‌توانست به همه امور برسد واقعا چیز عجیبی است.

بله. گاهی اوقات ما خسته می‌شدیم اما او با ماشینش راه می‌افتاد و در روستاها مردم را جمع می‌کرد؛ پیرزن، پیرمرد، جوان، شهیدداده و مجروح‌داده و برای آنان صحبت می‌کرد. یک‌به‌یک آنان را نوازش می‌کرد و دلداری می‌داد و به آینده امیدوارشان می‌کرد.

گاهی تا نیمه‌شب طول می‌کشید اما صبح اول وقت که بچه‌ها ورزش می‌کردند، می‌دیدم که چمران هم ورزش می‌کند. ساعت شش صبح با بچه‌ها گفت‌وشنود داشت.

ادامه از صفحه ۶

کدام چمران

چمران با اینکه نماینده تهران است، اما با شروع جنگ عازم خوزستان می‌شود. اولین کاری که انجام می‌دهد، استفاده از تجربه عملیات‌های چریکی و پارتیزانی در جنگ است. به همین دلیل ستاد جنگ‌های نامنظم را در اهواز راه‌اندازی می‌کند. سایت دانشنامه انقلاب اسلامی و تاریخ ایران دراین‌باره می‌نویسد: «جبهه اهواز به علت پیشروی‌ها و حملات تانک‌های عراقی، عرصه شدیدترین درگیری‌ها و مقاومت‌های مردم شده بود. برای متوقف‌کردن حرکت دشمن در داخل خاک کشور، واحد مهندسی ستاد، علاوه بر جاده‌سازی برای عبور نیروهای نظامی با نصب پمپ‌های آب در کنار رود کارون و احداث کانالی به طول ۲۰ کیلومتر و عرض صد متر در مدتی حدود یک ماه، آب کارون را به طرف تانک‌های دشمن روانه کرد، به‌طوری‌که آنها علاوه بر چند کیلومتر عقب‌نشینی، از تسخیر اهواز منصرف شدند. در این دوران با توجه به اینکه سپاه و ارتش، از انسجام چندانی برخوردار نبودند، ستاد جنگ‌های نامنظم نقش مؤثری در ناکام‌کردن نقشه‌های ارتش قدرتمند عراق داشت». ارتش عراق پس از ناکامی در تسخیر اهواز به سوسنگرد روی آورد و در اواخر سال ۱۳۵۹ همراهان چمران، همراه ارتش برای نخستین‌بار دست به حمله زدند. در این عملیات چمران زخمی شد و به اهواز آمد. در شهر اهواز مصطفی پس از یک روز بستری‌شدن در بیمارستان به ستاد جنگ‌های نامنظم رفت تا عملیات را هدایت کند. در ادامه مخالفت‌ها و موافقت‌ها با چمران، همچنین او در فشار قرار می‌گیرد تا ستاد را منحل کند. مصطفی در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ هنگام معرفی و توجیه فرمانده جدید محور دهلاویه به جای «ایرج رستمی»، در خط مقدم نبرد، بر اثر اصابت ترکش خمپاره ۶۰ دشمن از ناحیه پشت سر زخمی شد. کمک‌های اولیه روی او در بیمارستان سوسنگرد انجام شد و آمبولانس به اهواز شتافت؛ ولی پیکر بی‌جان او به اهواز رسید. البته در نحوه شهادت چمران هم تردیدهایی وجود دارد. نحوه اصابت ترکش از پشت سر. چمران بعد از شهادت به طرز عجیبی مورد حمایت همه - حتی منتقدانش- قرار گرفت. گویی «هرکسی از ظن خود یار او» شد... .

ساخت خانه‌های پیش ساخته چوبی و رویایی

Baranak

بارانک بابیش از نیم قرن سابقه اجرائی و دانش فنی در صنعت چوب، طراح و سازنده خانه های رویایی و رستوران های چوبی حتی در بلندترین قله ها و بستر رودخانه ها .

+۹۸ ۲۶ ۳۴۴ ۴۳۳ ۲۸
+۹۸ ۲۶ ۳۴۴ ۳۷۷ ۳۷
+۹۸ ۹۱۲ ۱۳۹ ۹۱ ۲۰
telegram.me/baranakwood
instagram.com/baranak_wood
www.baranakwood.com
(دفتر مرکزی کرج رجائی شهر)

زیبا
مستحکم
مقرون به صرفه

حس آرامش سبز